

اطلاعیه آریز بانک



بموجب قرار قضایی نمبر (۲۶۲) مورخ ۱۳۹۴/۶/۳۱ ریاست محترم محکمه ابتدائیه تجارتي ولایت کابل و محضر مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱ هیئت تطبیق حکم نمبر فوق، مبنی بر فروش ساحه تجارتي به مساحت ۷۸۴ متر مربع مندرج قبالبه بیع قطعی نمبر (۷۱۰ بر ۴۱۱) مورخ ۱۳۵۷/۲/۵ مرتبه محکمه شهري ولایت کابل، ملکیت محترم عبدالله پشتونیار فرزند محمد هاشم واقع چهارانی حاجی یعقوب ناحیه چهارم شهر کابل قرارداد که طی وثیقه بیع جایزی نمبر ۷۱۲/۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۸/۴ مرتبه امریت ثبت اسناد و وثایق ولایت کابل که تحت تضمین قرضه شرکت عبدالله پشتونیار در آریز بانک قرار گرفته بود ملکیت متذکره در مجلس مزایده بالای آقای محمد حامد ولد عبدالرحیم به مبلغ ۲۱,۷۱۶,۸۰۰ افغانی بفروش رسانیده شد. اشخاص و موسسات که خواهان مزایده نهایی را دارند از تاریخ نشر اعلان به مدت ۱۵ یوم درخواستی های خود را به دفتر مرکزی آریز بانک واقع شهرنو سرک مسجد حنظلله (رح) مقابل دروازه غربی لوی څارنوالي سپرده، شرطنامه را ملاحظه کرده میتوانند تضمین نقداً اخذ میگردد. و همچنان از مالک جایداد خواهش میگردد در روز مزایده حاضر باشد و در غیر آن حق شکایت را ندارد.

شماره‌های تماس: 0786 38 9187 020 22 03 996



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



یادداشت روز | صفحه ۲

اشتغال؛ غرش نابهنگام و آرزوی بر باد رفته

به تجربه دریافته‌ایم که تفاوت معناداری میان وعده‌های انتخاباتی و کارهای پسانتخابات وجود دارد. در بسیاری از کشورها، از جمله هنگام پیروزی دونالد ترامپ، ناظران سیاسی تأکید کردند که تنگناهای سیاست حتا رئیس‌جمهور امریکا را وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد و بسیاری از تعهداتی که در جریان کارزارهای انتخاباتی به شهروندان داده می‌شوند، صرفاً از منظر مصرف انتخاباتی و خوراک تبلیغاتی به آن‌ها نگریسته می‌شود. گرچه نمی‌توان این قاعده را به‌صورت عام پذیرفت و هرگونه تحولی را در تغییر رهبری یک دولت منتفی دانست. این قاعده به ما می‌گوید که باید مرز شعارهای فریبدهی انتخاباتی و واقعیت‌ها و تنگناهای عمل سیاسی را بازشناسیم و به آن تن در دهیم. غنی نیز از این قاعده مستثنا نیست. رئیس‌جمهور کنونی در زمان کارزارهای انتخاباتی، تصویری از افغانستان تحت حاکمیت خودش خلق کرد که به هیچ‌وجه با واقعیت‌ها سخت و دشوارگذار همخوانی نداشت. توسعه‌ی زیربنای اقتصادی، تأمین امنیت و پایان جنگ اعلام‌نشده با پاکستان، به موفقیت رساندن مذاکرات صلح با طالبان...

نارضایتی نهادهای ناظر انتخاباتی از کارکرد ۲۰ روزه کمیشنران جدید



صفحه ۲

بیشتر صحبت نمایید - کمتر بپردازید



برای اشتراک: #1*4*233* را دایل نمایید
مدت اعتبار: 30 روز

برای لغو اشتراک: #2*4*233* را دایل نمایید

در بدل 300 افغانی

1200 دقیقه
از افغان بیسیم به افغان بیسیم



www.afghan-wireless.com



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

دوشنبه
۲۹ قوس
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۲۰۸



یادداشت روز

اشتغال؛ غرش نابه‌هنگام و آرزوی بر باد رفته

به تجربه دریافته‌ایم که تفاوت معناداری میان وعده‌های انتخاباتی و کارهای پسانتخابات وجود دارد. در بسیاری از کشورها، از جمله هنگام پیروزی دونالد ترامپ، ناظران سیاسی تأکید کردند که تنگناهای سیاست حتا رییس‌جمهور امریکا را وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد و بسیاری از تعهداتی که در جریان کارزارهای انتخاباتی به شهروندان داده می‌شوند، صرفاً از منظر مصرف انتخاباتی و خوراک تبلیغاتی به آن‌ها نگریسته می‌شود. گرچه نمی‌توان این قاعده را به‌صورت عام پذیرفت و هرگونه تحولی را در تغییر رهبری یک دولت منتفی دانست. این قاعده به ما می‌گوید که باید مرز شعارهای فریبنده‌ی انتخاباتی و واقعیت‌ها و تنگناهای عمل سیاسی را بازشناسیم و به آن تن در دهیم. غنی نیز از این قاعده مستثنا نیست. رییس‌جمهور کنونی در زمان کارزارهای انتخاباتی، تصویری از افغانستان تحت حاکمیت خودش خلق کرد که به هیچ‌وجه با واقعیت‌ها سخت و دشوارگذار همخوانی نداشت. توسعه‌ی زیربناهای اقتصادی، تأمین امنیت و پایان جنگ اعلام‌ناشده با پاکستان، به موفقیت رساندن مذاکرات صلح با طالبان و ایجاد کشوری مرفه و مترقی با حکومتداری خوب و پاسخگو، کاهش شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، واژگان کلیدی سخنرانی‌های محمداشرف غنی بود. پس از پیروزی اما این وضعیت رفته‌رفته تغییر کرد. در دو سال گذشته، اشرف غنی با شدیدترین فشارها روبه‌رو بوده است. کاهش شدید شاخص‌های رشد اقتصادی، افزایش نگران‌کننده‌ی ناامنی، بازتر شدن شکاف‌های اجتماعی و شدت یافتن تنش‌های سیاسی، شعارها و تعهدات غنی را به سختی به چالش کشید. عزل‌ونصب‌های گروهی و تمرکز قوا در ارگ ریاست‌جمهوری و ایجاد شوراهای عالی و به تبع آن محصور شدن اختیارات و امتیازات در دایره‌ی کوچک ارگ، به معنای برخورد طعنه‌آمیز با شعار «محو فساد» بود.

تجربه‌ی ملموس و تلخ شهروندان این نتیجه را به‌دست می‌دهد که نباید به هیچ‌چیزی اعتماد کرد؛ حتا اگر تعهدات ریاست‌جمهوری باشد یا برنامه‌های حکومت. به همین دلیل، حکومت وحدت ملی از بدو شکل‌گیری تاکنون با افزایش میزان نارضایتی عمومی مواجه بوده است. در چنین وضعیتی، ارگ اعلام کرده که تا سال آینده، ۱۰۰هزار فرم درخواست کار خواهد گرفت تا پا بررسی آن‌ها، ۱۰هزار متقاضی واجدشرایط صاحب کار شوند. احتمالاً این ۱۰هزار نفر در ادارات دولتی استخدام خواهند شد. به‌صورت خوش‌بینانه، می‌توان امیدوار بود که در سال آینده ۱۰هزار کارجوی جوان صاحب شغل شوند. نهادهای دولتی بر مبنای گزارش‌های رسانه‌ها بین ۲۰ تا ۵۰هزار پست خالی دارند. به این‌معنا که چنین ظرفیتی وجود دارد. اما آنچه که مایه‌ی نگرانی است، ضعف بروکراسی و فساد گسترش‌یافته و تنومند و عدم تعهد سران حکومت به اجرای این طرح است. اشرف غنی در زمان کارزارهای انتخاباتی‌اش، سخن از ایجاد سه میلیون شغل می‌گفت. یک میلیون شغل به‌صورت فوری، از منظر کسی که برای جلب آرای شهروندان تلاش می‌کرد، ایجاد می‌شد. نتیجه‌ی این وعده نامیدکننده بود: بیکاری به مرز شش میلیون رسیده است. بسیاری از جوانان مجبور به ترک کشورشان شده‌اند و فرار سرمایه که از آخرین سال ریاست‌جمهوری کرزى شروع شده بود، تاکنون ادامه دارد. به‌رغم ادعاهای مطرح شده در مورد کاهش فساد در نهادهای دولتی، هنوز عبور از موانع ادارات، جز از طریق توسل به رشودهی و واسطه ناممکن است.

نگرانی اصلی این نیست که حکومت قادر به ایجاد ۱۰هزار شغل نیست. از قضا، چنانچه گفته شد، این ظرفیت عملاً وجود دارد. کش‌وقوس‌های سیاسی و تنش‌های بی‌پایان و رقابت‌های نفس‌گیر تقریباً مجال اندیشیدن به وضع مردم و رسیدگی به امور حکومت‌داری را از شخص اول مملکت و افراد تحت امرش گرفته است. باری، بدگمانی ناشی از این وضعیت، سبب شده است که بسیاری از نهادها عملاً از حیطة تصمیم‌گیری و پالیسی‌سازی خارج شوند و مسئولیت‌های کاری آن‌ها به شوراهای عالی در ارگ ارجاع شود. در ارگ نیز بسیاری از عزل‌ونصب‌ها، به‌شدت سیاسی است و مبتنی بر دیدگاهی که از جهتی قوم‌گرایانه است و از منظری دیگر، مبتنی بر نگاه سیاسی اشرف غنی و تیم همراش. به این‌معنا که کسانی قادر به یافتن کار در این نهادها می‌شوند که چه به‌لحاظ اتنیکی و چه از نظر دیدگاه سیاسی، به شخص رییس‌جمهور و اطرافیان‌ش نزدیک‌تر باشند.

در بسیاری از نهادهای دولتی قانون نانوشته‌یی در استخدام افراد مدنظر قرار داده می‌شود که تأکید به سهمیه‌ی اقوام بر مبنای فیصدی نفوس آن‌هاست. نفوس کشور و سهم هر قوم نیز در آن، مبتنی بر حدس‌وگمان است. چه تضمینی وجود دارد که ۱۰هزار شغل بر همین مبنا توزیع نشود؟ در این‌صورت، گرچه ممکن است در خوش‌بینانه‌ترین حالت، ۱۰هزار نفر صاحب کار شوند، اما مشکل اصلی که بی‌کاری و تبعیض اجتماعی است، کماکان بر جای خود باقی خواهد ماند و اعتراض و نارضایتی ریشه‌دارتر خواهد شد.

حکومت تلاش می‌ورزد تا با غرش‌های نابه‌هنگام و حتا اجرایی مانورهای تبلیغاتی، جو عمومی را به نفع خود تغییر دهد. اما این کافی نیست. برای تغییر دیدگاه شهروندان و به تبع آن وضعیت سیاسی به نفع ارگ و سپیدار، لازم است ضمانت‌های دقیق‌تری برای توزیع مناسب کار و فرصت‌های شغلی در میان تمامی شهروندان فراهم شود.

اطلاعات روز: نهادهای ناظر انتخاباتی می‌گویند که از کارکردهای ۲۰ روزه‌ی کمیشنران جدید کمیسیون مستقل انتخابات راضی نیستند.

این نهادها از آنچه که کُنْدکاری در کار کمیسیون مستقل انتخابات می‌خوانند، سخت انتقاد می‌کنند.

سه هفته می‌شود که کمیشنران جدید کمیسیون مستقل انتخابات آغاز به کار کرده‌اند، اما نهادهای ناظر انتخابات می‌گویند که نمی‌دانند تاکنون چه کارهایی را برای آوردن اصلاحات در این کمیسیون انجام داده‌اند.

هرچند اولویت کاری این کمیشنران پرداختن به فهرست رای‌دهندگان، روشن ساختن حوزه‌های انتخاباتی و رفتن به روند عملیاتی انتخابات مجلس نمایندگان و شورای‌های ولسوالی‌ها بوده است، گفته می‌شود که به هیچ کدام این اولویت تاکنون پرداخته نشده است.

نعیم اصغری، مسئول برنامه‌های دیدبان انتخابات آزاد و عادلانه (فیفا) دپروز در نشست خبری، گفت: «کندی در کار که یک‌سو، حتا معلوم نیست که این کمیشنران چه می‌کنند، آنچه هویدا است همین است که کارهای کمیسیون مستقل انتخابات خیلی به کندی پیش می‌رود.»

نارضایتی نهادهای ناظر انتخاباتی از کارکرد ۲۰ روزه‌ی کمیشنران جدید

نعیم ایوب زاده، رییس بنیاد انتخابات شفاف افغانستان گفت: «کند کاری‌ها در کار کمیسیون مستقل انتخابات به نفع روند انتخابات نیست و سبب می‌شود که در سال آینده انتخابات شفاف نداشته باشیم و نباید این کمیسیون وقت را تلف کند، بلکه باید با جدیت کارهایش را دنبال کند.»

نهادهای ناظر انتخاباتی به این باور استند که این کمشنران کارهای بسیار در پیش دارند که بی‌درنگ باید انجام دهند. اما سخن‌گوی کمیسیون مستقل انتخابات گفته که رهبری جدید این کمیسیون در حال ساختن راهکاری است که بر بنیاد آن چگونگی تنظیم حوزه‌های انتخاباتی، تهیه فهرست رای‌دهندگان و زمان برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها روشن خواهد شد.

گلاجان عبدالبدیع صباد، دبیر و سخن‌گوی کمیسیون مستقل انتخابات گفته: «یک طرحی کلی می‌سازیم که در آن تمامی موضوع‌ها، چون: حوزه‌های انتخاباتی، تقویم انتخابات، توزیع تذکره‌های الکترونیکی و چگونگی برگزاری انتخابات را در بر می‌گیرد.»

بدون توزیع تذکره‌های الکترونیکی انتخابات بازم به بحران خواهد رفت

بانوی اول کشور تا دو سال آینده برای ۳۰ هزار زن زمینه‌ی کار فراهم می‌کند

در مناطق دور دست، تا دو سال آینده برای ۳۰ هزار زن و دختر در بخش زراعت زمینه‌ی کار فراهم خواهد کرد. او ضمن ستایش از ظرفیت موجود در میان زنان و دختران این ولایت گفته که تلاش می‌کند به‌شمول ننگرهار وضعیت زنان در سراسر کشور نسبت به سال‌های گذشته بهبود یابد.

به گزارش رادیو کلید، محمد حنیف گردیوال، معاون والی

اطلاعات روز: رولا غنی، بانوی نخست کشور، زنان و دختران ننگرهاری را به فراگیری آموزش، تقویت اقتصادی و سهم شادن در روند سیاسی کشور تشویق کرده است. دفتر رسانه‌های والی ننگرهار با نشر خبرنامه‌یی گفته است که، بانوی نخست کشور این موضوع را از طریق ویدئوکنفرانس با زنان و دختران ننگرهاری مطرح کرد.

رولا غنی گفته است که به هدف تقویت اقتصادی زنان

ورزشکاران به جنگ مواد مخدر می‌روند

تفاهم‌نامه است.

سلامت عظیمی، وزیر مبارزه با مواد مخدر در یک نشست خبری به روز یک‌شنبه پس از امضای این تفاهم‌نامه گفته است که مشکل مواد مخدر در حال حاضر به یک سوامی خاموش تبدیل شده که مبارزه علیه آن همکاری همه جانبه‌ی تمام نهادها و مردم را نیاز دارد.

همچنان وزارت مبارزه با مواد مخدر و وزارت سرحدات و قبایل با امضای یک تفاهم‌نامه‌ی دیگر متعهد شده‌اند تا از طریق شوراهای قومی به سطح قریه‌ها، ولسوالی‌ها و ولایات کمپاین بزرگ آگاهی‌دهی در رابطه به اضرار مواد مخدر را برای مردم بیان نمایند.

به نقل از خبرنگاره‌ی وزارت مبارزه با مواد مخدر، تدویر میزگرد از سوی ورزشکاران در رسانه‌ها و کمپاین مبارزه با مواد مخدر در مرکز و ولایات از دیگر موارد مهم این

رویداد ترافیکی در فراه ۱۵ کشته و بیش از ۴۰ زخمی بر جا گذاشت

شرکت حمل‌ونقل «احمدشاه ابدالی» است که از هرات به سمت کابل در حرکت بود.

اما محمد رفیق شیرزی، سخن‌گوی شفاخانه‌ی هرات گفته است که تمام کشته و زخمی شدگان این حادثه به شفاخانه‌ی هرات منتقل شده‌اند. آقای شیرزی افزوده که وضعیت پنج نفر از زخمی‌شدگان وخیم است. سخن‌گوی والی فراه تیزرانی و بی‌احتیاطی رانندگان این موترها را دلیل وقوع این رویداد گفته است.

این رویداد ترافیکی در حالی‌ست که روز شنبه نیز در نتیجه‌ی واژگون‌شدن یک موتر مسافربری ۳۰۳ در منطقه‌ی «کمین‌گاه» ولسوالی چخانسور ولایت نیمروز، چهار تن کشته و ۳۶ تن دیگر زخمی شدند.

دلیل این رویداد نیز تیزرانی گفته شده است. ارگ ریاست‌جمهوری با نشر اعلامیه‌یی گفته است که

از سوی دیگر نهادهای ناظر انتخابات باور دارند که اگر روند توزیع تذکره‌های الکترونیکی آغاز نشود، انتخابات افغانستان بازم با بحران مشروعیت روبه‌رو خواهد شد.

این نهادها از رهبران حکومت وحدت ملی می‌خواهند که اختلاف‌های شان را کنار بگذارند و روند توزیع تذکره‌های الکترونیکی را آغاز کنند.

جانداد سپین‌غر، رییس شبکه‌ی اکسین گفته است، با توزیع تذکره‌های الکترونیکی فهرست رای‌دهندگان انتخابات مشخص می‌شود و اگر در انتخابات تقلب نیز شود، با استفاده از فهرست می‌توان مشکل تقلب حل را کرد.

کمیسیون مستقل انتخابات نیز توزیع تذکره‌های الکترونیکی را بر شفافیت انتخابات بسیار تأثیرگذار می‌داند.

عبدالبدیع صباد گفته: «اگر تذکره‌های الکترونیکی توزیع شود، نه‌تنها در روند انتخابات مؤثر است، بل در امنیت و بخش‌های دیگر نیز موثر است، اما [در صورت توزیع‌نشدن] ما راه بدیل نیز داریم.»

قرار بود روند توزیع آزمایشی تذکره‌های الکترونیکی در ۲۸ اسد ۱۳۹۴ آغاز شود، اما این روند به یک‌باره‌گی به تأخیر افتاد و اکنون به یک موضوع فراموش شده مبدل شده‌است.

خبرنگار ناراضه

حکمت راه‌بندان (ترافیک)

یکی از مصیبت‌ها در کابل، راه‌بندی است. راه‌بندی به حالتی گفته می‌شود که مثلاً از سینمای پامیر داخل موتر تیزرفتار بنشینید و بخواید به کوه‌سنگی بیایی تا هم زودتر بررسی هم راحت‌تر. در این حالت از خیر ده یا بیست افغانی می‌گذری. اما همین‌که داخل موتر سوار می‌شوی، هنوز به دهم‌زنگ نرسیده‌ای که شلوغی شروع می‌شود. تو در حالی‌که داخل یک موتر تیزرفتار سواری، نمی‌توانی صدمتر راه را در یک ساعت ببیمایی. همین‌که نتوانی صدمتر راه را با موتر تیزرفتار در یک ساعت ببیمایی، این حالت راه‌بندی می‌گویند که عده‌یی از برادران و خواهران به آن ترافیک هم می‌گویند. حالا ممکن شما پیشنهاد کنید که در این صورت باید از موتر پیاده شد و آن صد متر که شلوغ است را باید پیاده رفت، چون در این صورت ممکن فقط سه دقیقه وقت گرنگ‌بهای تان را بگیرد. هرچند حق باشماست، اما من این کار را نخواهم کرد. چون آن ده افغانی یا بیست افغانی را که به راننده داده‌ام، بیشتر از یک ساعت می‌ارزد.

به هر صورت، همان‌گونه که ما باور داریم و سال‌هاست پذیرفته‌ایم که هیچ مصیبت و هیچ بلایی خالی از حکمت نیست، مصیبت راه‌بندی و ترافیک نیز خالی از حکمت نیست. امروز می‌خواهم یکی از حکمت‌های راه‌بندی را با مثال زنده خدمت‌تان واضح کنم. چهارشنبه هفته‌ی گذشته، از پل سرخ به سمت برچی در حرکت بودم. داخل موتری که سوار شدم، از قضا یکی از آشناهای سال‌های نه‌چندان دور را دیدم. آشنایی که در سال‌های اخیر او را ندیده بودم. بعد از راست و دروغ‌های فراوان در احوال‌پرسی که در جامعه‌ی عزیز ما معمول است، از او پرسیدم که کجا کار می‌کند؟ گفت هیچ‌جا. دوباره پرسیدم که چرا؟ مگر از کار بی‌نیازی؟ گفت: نه، بی‌نیاز که نیستم. اما یافت نمی‌شود.

کمی تیرشده از چهارراهی شهید، ترافیک و راه‌بندی شروع شد. به او حق دادم، گفتم آری والله خیلی سخت است. مخصوصاً برای آدم‌های مثل من و تو که سرمایه‌ی ابتدایی برای سرمایه‌گذاری هم نداریم. او به سبک داکتر عبدالله و من به سبک داکتر صاحب محمد اشرف غنی، تاسف‌های مان را مشترکاً در مورد وضعیت جاری ابراز کردیم. از او پرسیدم که با تمام این‌ها، چه پلان داری؟ چه‌گونه می‌خواهی با بیکاری و این‌که یافتن یک شغل سخت است، کنار بیایی؟ ابتدا مردد بود و گفت والله فکری خاص و پلان خاصی ندارم. وقتی برایش پیشنهاد دادم که اگر هیچ نشد، باید مثل بقیه در سنگ‌بری‌های اصفهان و تهران بروی و جان بکنی. پیشنهادم رد کرد و گفت از سنگ‌بری تهران کرده آدم در صف نیروهای مسلح مخالف دولت ببیند بهتر است. گفتم چطور؟ گفت شنیده‌ام مرکزی در زابل سرزای می‌پذیرد. این مرکز مربوط حکومت نیست. این‌که مربوط طالب است یا داعش یا القاعده، نمی‌دانم. گاه‌گاهی دلم می‌شود قید همه چیز را بزنم و بروم آن‌جا. هیچ‌کس نشد، ماهانه ۵۰۰ دالر معاشش می‌ماند.

نمی‌دانستم واقعا چه بگویم، متعجب شدم. گفتم که این حرف از آدمی مثل تو که سال‌ها درس خوانده، بعید است. لبخندی زد و گفت هیچ کاری از ما آدم‌ها بعید نیست، حتی از آدم‌های که صد برابر من خوانده و می‌فهمند. گفت این روزها در کابل دنبال آدرسی می‌گردم که به نحوی هماهنگ‌کننده این کار است. من بیشتر از اندازه‌ی کافی تلاش کردم که کاری در سایه‌ی قانون و نظام پیدا کنم، اما نمی‌شود. شاید هیچ‌کس بیشتر از من فورم‌های کارایی و استخدام ادارات را پر نکرده باشد، شاید هیچ‌کس به اندازه‌ی من سی‌وی (CV) نفرستاده باشد، اما می‌بینی که هنوز هم بیکارم. شاید بخت من گشته و آدم‌های بخت‌برگشته هیچ دلیلی ندارند که مثبت باشند. برعکس هزاران دلیل برای منفی بودن دارند.

گفتم توکل به خدا کن، باز هم صبر کن و دنبال شغل بگرد. گفت رای زن! اگر آن‌جا رفتم هم توکل به خدا می‌کنم. برابم واقعاً مهم نیست که در صف داعش می‌پیوندم یا طالب. برای من یکی انسان بودن به اندازه‌ی کافی نفرت‌انگیز شده. می‌خواهم گرگ شوم، بدرم و بخورم، مثل خیلی‌ها که گرگ‌اند و زندگی مرفه‌یی دارند. گفتم چنین نیست، آن‌هایی که از نظر تو گرگ‌اند، همه انسان‌اند. خندید و گفت: هی رفیق! امیدوارم هرگز به حال و روز من نیافتی، ورنه به من حق خواهی داد.

نمی‌دانستم برایش چه بگویم، احساس می‌کردم سال‌هاست پوچم، از استدلال خالی‌ام. درک او هرچند برابم سخت نبود، اما نمی‌توانستم بگویم حق داری داعش شوی! نمی‌توانستم بگویم کار خوبی می‌کنی که به‌خاطر پول، طالب می‌شوی. حرف دیگری هم برای گفتن نداشتم. من او را راضی نتوانستم که دست از تصمیمش بردارد. تمام این حرف‌ها در یک راه‌بندی رد و بدل شد. شاید اگر آن روز سرک خلوت بود، من هرگز نمی‌دانستم که او صرفاً به این دلیل که شغلی برایش وجود ندارد، می‌رود که طالب و داعش شود. می‌رود که گرگ شود و به‌درد تا سیر بماند!

ادامه دارد...

تاریخ در هم آمیخته و پیچیده‌ی مثلث افغانستان - هند - پاکستان



دیپلمات/احمد بلال خلیل

ترجمه: حمید مهدوی

بخش دوم

با این حال، در سال ۲۰۰۹، روابط کرزی با باراک اوباما، رییس‌جمهور جدید ایالات متحده فرو ریخت. در نتیجه، کابل به دنبال بهبود روابط با کشورهای منطقه مانند هند، چین و روسیه برآمد. در این دوره بود که افغانستان یکی از نخستین موافقت‌نامه‌های استراتژیکش با هند را امضا کرد که شامل پذیرش درخواست تقریباً شش ساله‌ی افغانستان از هند در زمینه‌ی آموزش نیروهای امنیتی بود. علاوه بر آن، پیش از خروج خروج نظامیان ایالات متحده و ناتو در سال ۲۰۱۴، کابل با درخواست‌نامه‌ی سلاح به هند رو آورد. علاوه بر آن، بیش از ۱۴۰۰ افغان برای آموزش نظامی به هند فرستاده شدند. انگیزه‌ی چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی او از روابطش با ایالات متحده و این‌که پاکستان در عقب تشدید ناامنی در افغانستان قرار دارد و خروج نیروهای ایالات متحده و ناتو بسیار تاثیر پذیرفته بود.

کابل-دهلی جدید در سال ۲۰۰۷ با اعزام یک تیم نظامی آغاز شد، اما این تعامل صرفاً محدود به آموزش نیروهای امنیتی افغانستان در استفاده از اسلحه، نقشه‌خوانی و کار با پرسونل در سطح کندک بود.

با این حال، در سال ۲۰۰۹، روابط کرزی با باراک اوباما، رییس‌جمهور جدید ایالات متحده فرو ریخت. در نتیجه، کابل به دنبال بهبود روابط با کشورهای منطقه مانند هند، چین و روسیه برآمد. در این دوره بود که افغانستان یکی از نخستین موافقت‌نامه‌های استراتژیکش با هند را امضا کرد که شامل پذیرش درخواست تقریباً شش ساله‌ی افغانستان از هند در زمینه‌ی آموزش نیروهای امنیتی بود. علاوه بر آن، پیش از خروج خروج نظامیان ایالات متحده و ناتو در سال ۲۰۱۴، کابل با درخواست‌نامه‌ی سلاح به هند رو آورد. علاوه بر آن، بیش از ۱۴۰۰ افغان برای آموزش نظامی به هند فرستاده شدند. انگیزه‌ی چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی او از روابطش با ایالات متحده و این‌که پاکستان در عقب تشدید ناامنی در افغانستان قرار دارد و خروج نیروهای ایالات متحده و ناتو بسیار تاثیر پذیرفته بود.

روابط کابل با پاکستان در دور دوم [ریاست‌جمهوری] کرزی، به دلیل ناامنی در افغانستان و دید رمانتیک کابل نسبت به دهلی (به‌ویژه وقتی پای امنیت و روابط استراتژیک به میان می‌آید)، وخیم‌تر شد. در همین حال، نیروهای امنیتی پاکستان آن‌عده از رهبران طالبان را که «گفت‌وگوهای صلح» با کابل را آغاز کرده بودند، دستگیر کرد و به جنگجویانی که در سبزه‌جویی و شورش در افغانستان دست داشتند، پناه داد، به این دلیل است که در این دوره، در مقایسه با دوری نخست ریاست‌جمهوری کرزی، سیاست‌های افغانستان بیشتر به هند متمایل شد.

آموزش بنیادگراها علیه هند استفاده کرد. از سوی دیگر، همه‌ی افغان‌ها نسبت به اسلام‌آباد دید مثبت نداشتند. وقتی هرات، شهر کلانی در غرب افغانستان، به دست طالبان سقوط کرد، برخی از افغان‌ها در تلافی آن سفارت پاکستان در کابل را به دلیل حمایت پاکستان از طالبان به آتش کشیدند.

سیاست حامد کرزی در قبال هند و پاکستان
پس از آن‌که ایالات متحده حکومت طالبان را سرنگون کرد، حامد کرزی رییس‌جمهور جدید افغانستان شد. در تمام این مدت، از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۴، روابط افغانستان - پاکستان بیشتر به سوی هرج‌ومرج رفت تا توازن و همسازی در کل، سیاست کابل در قبال هند و پاکستان بسیار متمایل به هند بود. این حقیقت که در جریان جنگ سرد هردو کشور پناهگاه گروه‌های مخالف حکومت دیگر بودند، بر این عادت اثر گذاشته بود. این حالت بر طرز فکر استراتژیک در هردو کشور افغانستان و پاکستان اثر گذاشته بود.

در دوره‌ی پس از سال ۲۰۰۱ نگرانی‌ها و کابوس‌ها، از نوع نگرانی‌ها و کابوس‌های جنگ سرد احیا شده بودند. پاکستان کابل و سازمان استخبارات هند را به‌خاطر بی‌ثبات ساختن بلوچستان، مناطق فدرال قبایلی و دیگر مناطق پاکستان مقصر می‌دانست. افغانستان، از سوی دیگر، ادعا کرد که پاکستان برای طالبان سرنگون‌شده پناهگاه فراهم می‌کند و از آن‌ها حمایت می‌کند. بنابراین، در دوران کرزی جنگ نیابتی دیگری بین هند-افغانستان-پاکستان در منطقه‌ی مرزی بین افغانستان و پاکستان آغاز شد و تا امروز ادامه دارد.

در جریان دوری نخست [ریاست‌جمهوری] حامد کرزی، افغانستان عمدتاً امن و آرام بود؛ بنابراین سیاست کابل در قبال هند و پاکستان جایی میان بی‌طرفی و موضع آشکار طرفداری از هند قرار داشت. هرچند روابط نظامی میان

سیاست کابل در قبال هند و پاکستان در دوران پس از جنگ سرد

پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان، هند برای نخستین‌بار از زمان استقلالش از امپراتوری بریتانیا در سال ۱۹۴۷، از چشم‌انداز سیاسی افغانستان به انزوا رفته بود. دهلی جدید در دوران جهاد (۱۹۷۹ - ۱۹۸۹) با مجاهدین افغانستان تماس‌های بسیار محدود داشت؛ در عوض روابط هند با حکومت کمونیست در افغانستان قوی‌تر بود. با این‌حال، وقتی برهان‌الدین ربانی رییس‌جمهور افغانستان شد، روابط بین کابل و هند بهبود یافت. رویدادهای جدید ربانی را وادار کرد تا فکر کند که پاکستان از حزب اسلامی گلبدین حمایت می‌کند، حزبی که افغانستان را در آستانه‌ی جنگ داخلی قرار داده بود و هدف اصلی آن سقوط حکومت ربانی بود.

ریاض احمد خان، دیپلمات پیشین پاکستانی و مسئول امور افغانستان در کتابش (افغانستان و پاکستان: جنگ، بنیادگرایی و مقاومت تا مدرنیته) می‌نویسد که وقتی یک فرمانده ارشد جمعیت اسلامی به‌رهبری ربانی و احمدشاه مسعود، وزیر دفاع حکومت مجاهدین «شورای نظار» را شکل دادند تا علیه تهاجم شوروی بجنگد، پاکستان این کار را «عصر منفی جدید در سیاست افغانستان که هر وقتی می‌تواند علیه منافع پاکستان عمل کند» دانست. این نشان‌دهنده‌ی ناراضیاتی پاکستان از جمعیت اسلامی و حکومت ربانی است.

وقتی طالبان افغانستان در چشم‌انداز سیاسی افغانستان ظهور کرد، اوضاع پیچیده‌تر شد. این نخستین‌بار در تاریخ افغانستان بود که روابط دوجانبه‌ی کابل با اسلام‌آباد، در مقایسه با دهلی، بسیار بهبود یافته بود. در دوران جنگ داخلی افغانستان و جنگ بین حزب اسلامی به‌رهبری حکمت‌یار و جمعیت اسلامی به‌رهبری ربانی، هند با جمعیت اسلامی همسو بود. وقتی طالبان ظهور کرد، هند به حمایتش از جمعیت اسلامی و اتحاد شمال، که پس از تصرف کابل توسط طالبان در سال ۱۹۹۶ توسط احمدشاه مسعود، فرمانده جمعیت اسلامی، تشکل شد، ادامه داد. حمایت هند از اتحاد شمال بر طرز فکر طالبان اثر گذاشت و به این دلیل است که حکومت طالبان هرگز تلاش نکرد روابط دیپلماتیک‌اش با دهلی را بهبود ببخشد.

در عین زمان، طالبان از آغاز نخستین عملیات نظامی بزرگشان در امتداد مرز پاکستان، حمایت پاکستان را با خود داشتند. بنابراین، در جریان [حکومت] امارت طالبان در افغانستان، روابط افغانستان - پاکستان بیش از هر زمانی نزدیک‌تر بود و اسلام‌آباد، برای نخستین‌بار در تاریخ دو طرف موفق شده بود به «عمق استراتژیک» در افغانستان دست یابد. «عمق استراتژیک» یک اصطلاح بحث‌برانگیز است، اما یکی از ویژگی‌های آن محدود نگهداشتن روابط استراتژیک و امنیتی هند و افغانستان است. پاکستان نیز از خاک افغانستان به‌عنوان زمین راه‌اندازی [حملات] و مرکز

شرارت‌سیاسی - اخلاقی

■ عمران راتب

آن را نقض می‌کند، قاعدتاً نمی‌تواند مورد فهم و درک منصفانه قرار بگیرد مگر این‌که نگاه سیاسی مجزا از اخلاق، بر آن تحمیل نگردد.

قباحت برخورد سیاسی با رخدادی که اخلاق و سیاست را نابود می‌کند، این است که آستانه‌ی سیاست را تا حد یک امر نااخلاقی پایین می‌آورد و ارتکاب اعمال ضد اخلاقی و شرارت‌بار را به‌عنوان یک تجربه‌ی سیاسی، برای کسانی که مسئولیت کنترل اوضاع در حوزه‌ی عمومی را بر عهده دارند، ممکن می‌سازد. اما چیزی که با این نحو برخورد به‌وجود می‌آید، چیزی است به‌مراتب شرورتر و قبیح‌تر از نفس برخورد سیاسی، و آن، محو خط فاصل اخلاق و ضد اخلاق در حوزه‌ی عمومی است و به‌وجود آوردن‌دهی این باور که گویا در زیست-سیاست، اخلاق نه می‌تواند وجود داشته باشد و نه اساساً به آن نیازی است. به‌بیان دیگر: رخدادی که همچون برابرنهاد، از دل یک تجربه‌ی سیاسی بیرون می‌زند و سبب معلق‌شدگی سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی می‌گردد، اگر دوباره با یک برخورد سیاسی بدون اخلاق مواجه شود، نتیجه‌ی ناگزیر آن حذف اخلاق از عرصه‌ی سیاست و حوزه‌ی عمومی است و شکل‌دهی به یک سیاست نه‌فقط نااخلاقی، بلکه ضد اخلاقی، سیاستی که هر تجربه‌ی آن، باید یک امر اخلاقی را در حوزه‌ی عمومی نقض کند. بر این مبنای منطق مواجهه با رخدادی نابودگر اخلاق و سیاست، این است که قواعد و استلزامات این مواجهه، از هر نوع مداخله‌ی سیاست ضد اخلاقی باید عاری شوند. ممکن است ظاهر مسئله ما را درگیر نوعی تناقض در نتیجه‌گیری کرده باشد، از این لحاظ که قایل شدن یک هنجارمندی برای هر امر سیاسی، پیشاپیش این فرض را با خود دارد که، پس هیچ سیاستی نمی‌تواند ضد اخلاقی باشد. واقعیت اما این است که هنجارها به‌مثابه‌ی قاعده، می‌تواند گاهی دچار برآیندی گردد که مستقیم خودش را نقض می‌کند. تعلیق اخلاق به‌وسیله‌ی سیاست، و تعلیق سیاست به‌وسیله‌ی سیاست ضد اخلاقی، در چنین موقعیتی اتفاق می‌افتد. بنابراین، شرارت اخلاقی-سیاسی همواره در یک گره‌گاه یا تعلیق آشکار می‌شود؛ با جا گرفتن در حفره‌ی که در دل پارادایم سیاسی-اخلاقی پدید آمده است.

چیزی که سبب نوشتن این یادداشت گردید، رخدادی است که این روزها سیاست و اخلاق جامعه را توأمان در قید خود گرفته است. اندوه ما اما این است که برخورد ما با این رخداد، اغلب متأثر از نگاهی است که باعث شده چنین رخدادهایی، در دل آن عادی جلوه کند، و آن نگاه، یک نگاه سیاسی نااخلاقی است. بگذارید مسأله را این گونه بیان کنم: رخدادی که در حوزه‌ی پدید می‌آید که سیاست و اخلاق در آن ممزوج اند و این رخداد، هر دو را به تعلیق می‌برد، فقط می‌تواند بارویکردی بررسی شود که عاری از هر نوع نگاه سیاسی باشد. به این معنا که، برخورد سیاسی با امری که از دل یک زیست-سیاست بیرون می‌آید و قواعد هنجاری آن را نقض می‌کند، قاعدتاً نمی‌تواند مورد فهم و درک منصفانه قرار بگیرد مگر این‌که نگاه سیاسی مجزا از اخلاق، بر آن تحمیل نگردد.

سد می‌کند. از این رو، تعامل این هنجار به‌مثابه‌ی یک امکان با تجربه یا امر سیاسی، موجب خلق وضعیتی می‌شود که رفتارهای اجتماعی و سیاسی افراد در آن تعریف می‌گردد. با حرکت از این منظر، مشاهده می‌کنیم که اخلاق و سیاست در حوزه‌ی عمومی، به‌تمامی از هم دیگر منفک نیستند و هرگاه، رویدادی واقع شود که ریشه در دل امری اخلاقی داشته و یا با نقض امری اخلاقی پدید آمده باشد، پی‌آیند آن بدون شک طوری عمل می‌کند که سیاست نیز با آن به تعلیق درمی‌آید. چیزی که سبب نوشتن این یادداشت گردید، رخدادی است که این روزها سیاست و اخلاق جامعه را توأمان در قید خود گرفته است. اندوه ما اما این است که برخورد ما با این رخداد، اغلب متأثر از نگاهی است که باعث شده چنین رخدادهایی، در دل آن عادی جلوه کند، و آن نگاه، یک نگاه سیاسی نااخلاقی است. بگذارید مسأله را این گونه بیان کنم: رخدادی که در حوزه‌ی پدید می‌آید که سیاست و اخلاق در آن ممزوج‌اند و این رخداد، هر دو را به تعلیق می‌برد، فقط می‌تواند با رویکردی بررسی شود که عاری از هر نوع نگاه سیاسی باشد. به این معنا که، برخورد سیاسی با امری که از دل یک زیست-سیاست بیرون می‌آید و قواعد هنجاری

در رفتارهای عادی اجتماعی. پس اخلاق اجتماعی، با قید تفاوت‌ها نظر به جوامع مختلف و معنای نسبی خیر و شر، چیزی است که قبل از این‌که یک اجتماع دارای شکل سیاسی خاصی باشد، آن را دارا است و به‌اعتباری، سیاست همواره در مرحله‌ی پسین‌تر از اخلاق قرار می‌گیرد.

با این حساب، ناگزیر از اعتراف به این می‌شویم که هر امر سیاسی از آن رو که نمی‌تواند مطلقاً رها از هنجارمندی خاصی باشد، یک امر اخلاقی است، اما هر امر اخلاقی، الزاماً سیاسی نیست. لیکن ظرافتی را که باید متوجه آن بود، این است که اخلاق و سیاست در حوزه‌ی عمومی، فارغ از موقعیت تقدم و تأخرشان نسبت به یکدیگر، می‌توانند یکدیگر را به تعلیق درآورد. به این مفهوم که اخلاق و سیاست زمانی که در برابر هم قرار می‌گیرند، به‌عنوان دو عنصر با هم تعامل می‌کنند و الگوی مشترکی را می‌سازند که زیست-سیاست در درون آن ممکن می‌شود. بحث امکان و نامکان، در حوزه‌ی عمومی، قبل از همه بحثی اخلاقی است و در نهایت، یک هنجار، هنجاری که تعیین می‌کند انسان‌های یک جامعه به انجام چه کارهایی مجازند و نیز در کجا این هنجار جلوی کردار آزادانه‌ی آن‌ها را

جنبه‌ی نظری و انتزاعی مسأله این است که سیاست، پدیده‌ی اخلاقی نیست. به این دلیل که اخلاق از دل امر سیاسی بیرون نمی‌آید. البته ممکن است از آن‌جا که سیاست و اخلاق، پدیده‌های ذاتی نیستند و در جوامع مختلف از ویژگی‌ها و گستره‌ی شمول متفاوت برخوردارند، به مشکل بتوان پیوندی سراسر است ایجابی یا سلبی میان آن‌ها برقرار کرد، یعنی این امر را به‌عنوان یک قاعده پذیرفت که سیاست و اخلاق، می‌توانند در حوزه‌ی عمومی یکدیگر را تضمین کنند و وقوع یک امر سیاسی، متوقف بر وقوع امری اخلاقی باشد و یا برعکس. این‌ها را نمی‌توان تحت یک قاعده‌مندی پذیرفته‌شده درآورد. لیکن انکار این نکته که سیاست و اخلاق، بیش از هر امر دیگری با هم در پیوند و رابطه‌اند، همان‌قدر مشکل و مسأله‌دار است که قایل شدن به این‌همانی مطلق میان این دو. منظور این است که تجربه‌ی سیاسی، از آن‌جا که در حوزه‌ی عمومی زندگی انسان‌ها اتفاق می‌افتد، می‌تواند و باید هنجاری باشد، یعنی سیاست طوری عمل کند که آن چارچوبی که برای تعریف رفتارهای غیرسیاسی اما مشترک انسان‌ها در زندگی اجتماعی‌شان تعیین گردیده را محو نکند. در چنین موقعیتی، چیزی که نمی‌توان به انکارش پرداخت، این است که هیچ جامعه‌ی، به‌عبارت دیگر، هیچ رویه‌ی از حوزه‌ی عمومی نیست که نوعی از هنجارمندی را در خود نپذیرفته باشد و در ضمن، نسبتش با این هنجارمندی یا شکلی از قانون اخلاقی به‌گونه‌ی باشد که آن قانون یا هنجار اخلاقی، بتواند به‌عنوان ماهیت اجتناب‌ناپذیر آن جامعه خود را در رفتار و حرکات انسان‌هایش آشکار سازد. معنای این سخن، این است که ما جامعه‌ی فرااخلاقی (اخلاق در گسترده‌ترین معنای آن) نداریم. از این نگاه، می‌بینیم که سیاست در واقع، در درون یک پارادایم اخلاقی می‌تواند به ظهور برسد. لازم به یادآوری است که این امر، به هیچ‌رو نافی این سخن نیست که سیاست را پدیده‌ی غیر اخلاقی می‌داند. به این دلیل که سیاست می‌تواند مجزا از اخلاق (در مفهوم متعارف آن به‌عنوان یک پدیده) هم تعریف شود، اما چنین سیاستی نیز، در پس‌زمینه‌ی خود چیزی را پنهان کرده است که همان نقشی را در تجربه‌های سیاسی دارد که اخلاق

قربانی اصلی قانون است

■ عمران راتب



که دوستم به سرنوشت مشابهی در این دور نیز گرفتار شود. اما هنوز هیچ‌چیز «کاملاً» روشن نشده است. به این معنا که تمام این گفت‌وگوها در فاصله‌ی ابهام‌آمیز و تاریک-روشن واقعیت شکل گرفته‌اند و از این جهت به صورت عقلانی نمی‌توان از یکی از دیدگاه‌ها صددرصد دفاع کرد.

آنچه که دیدنی و تأمل برانگیز و به همان نسبت نگران‌کننده است، گم شدن در میانه‌ی ابهام و تن سپردن به «شبه‌واقعیت» و به دفاع کامل برخواستن از آن است. روشن است که از هم‌اکنون هیچ کس در گفت‌وگوها و استدلال‌هایش به قانون نظری نمی‌اندازد و ملاحظات قانون را در بیان دیدگاهش مدنظر قرار نمی‌دهد. برخورد به‌شدت سیاسی شهروندان عادی با این مسأله-چنانچه در شبکه‌های اجتماعی شاهدش هستیم-حکایت از گم شدن قانون حتا در میان آن‌ها دارد. صورت ابتدایی این ماجرا روشن است، عقلانی‌تر این است که فشار بیشتر بر تحقیقات قانونی و رأی منصفانه و حرفه‌ی و عادلانه‌ی نهادهای عدلی وارد شود. این نهادها، چه دادستانی و قوه‌ی قضائیه ملزم به کشف واقعیت و تحقیق این مسأله و تعیین حکم نهایی می‌باشند. شهروندان عادی همراه با سیاست‌مداران در دو جبهه از موضع مخالف سیاسی و موافق سیاسی با اعدام قانون، یک‌سره به حکومت و جنرال دوستم فشار می‌آورند. موافقان خواهان پایان غائله‌اند و مخالفان خواستار به زنجیر کشیدن جنرال.

آنچه که پرسیدنی است، این است که در میانه‌ی این دعوا که به نظر نمی‌رسد راه‌حل درست آن، تمهیدات سیاسی باشد، جایگاه قانون و نهادهای عدلی کجاست؟ کمتر کسی به این نکته توجه می‌کند که یگانه راه‌حل این منازعه، کشف واقعیت بر مبنای قانون و اجرای حکم بر همان مبناست.

دوستم را مهار کنند. یکی از این دو احتمال می‌تواند واقعیت داشته باشد. با توجه به منش سیاسی جنرال دوستم در میان ازبیک‌تبارها، تردیدی نمی‌توان کرد که او اهل سرکوب و برخورد غیر مداراجویانه با رقبای محلی‌اش است. از جهتی دیگر، این نیز درست است که کسانی در ارگ و شورای امنیت ملی و ریاست اجرائیه نگاه نامساعدی به جنرال دوستم دارند. کزری دوستم را مزوی ساخت و حتا قصد دستگیری‌اش را پس از ماجرای «اکبر بای» داشت. می‌توان انتظار داشت

و آدرس دوستم گرفته است و در نتیجه آن‌ها مستحق سهم بیشتر در ساختار قدرت‌اند. از جهتی دیگر، گروه دوم با تکیه بر این که ارگ در پی انحصار قدرت و برخورد قومی با توزیع آن است، می‌خواهند بگویند که مقاومت و اصرار دوستم بر توزیع آن، چیزی نیست که در ارگ مقبولیت یابد. سفرهای پی‌درپی جنرال به شمال نیز خشم ارگ‌نشینان را به دنبال داشته است. در نتیجه، در پشت این کشمکش گروه‌های در رأس قدرت و مشخصاً ارگ و شورای امنیت ملی ایستاده‌اند و می‌خواهند از این طریق

در ماجرای «احمد ایشچی» و جنرال عبدالرشید دوستم، به نظر می‌رسد آنچه که قربانی می‌شود، قانون است. در یک سر این ماجرا، مردی ایستاده است که معاون پیشین حزب جنبش ملی بوده؛ حزبی که رهبر بلامنازع آن جنرال دوستم است. در سر دیگر آن، مردی است که از او در زمان کارزارهای انتخاباتی به‌عنوان «جنرال پادشاه‌ساز» یاد می‌شد. نظر به شکایت احمد ایشچی، ماجرا ساده است: جنرال و سربازانش او را مورد لت‌وکوب قرار داده و سپس تجاوز کرده‌اند. احتمال این‌که جنرال دوستم دست به این کار زده باشد، چندان دور از تصور نیست. معاون اول ریاست‌جمهوری، به تندی و برخورد سرکوب‌گرانه با رقبای سیاسی درون‌قومی‌اش معروف است. بسیاری از شهروندان در میانه‌ی این ماجرا، به دو بخش تقسیم شده‌اند. گروهی، خواستار تحقق عدالت و قانون در مورد ایشچی و جنرال دوستم‌اند. از نظر آن‌ها قبح این عمل غیر قابل اغماض است؛ آن‌هم از سوی مردی که معاون اول رییس‌جمهور است. نگاه گروه دوم اما به این مسأله از بنیاد مشکوک است. بر طبق فهم آن‌ها، جنرال همواره در چارچوب حکومت به‌عنوان یک «مزامح» تلقی شده است. دلایل زیادی برای تأیید این نظر وجود دارد. جنرال دوستم کسی نیست که بخواهد با فروتنی و انعطاف زیاد با همراهان سیاسی‌اش کنار بیاید. او بارها به سختی و تندی از اشرف غنی و محمدحنیف اتمر انتقاد کرده است و با قهر و خشم کاروان موترهایش را به شمال گسیل کرده است. در یک مورد، جنرال دوستم غنی و اتمر را متهم به منطقه و قوم‌گرایی کرد و گفت که اطرافیان غنی نفوذ غیر قابل قبولی بر رییس‌جمهور دارند. خواست‌های جنرال صریح است و به پای خواست‌هایش نیز با اصرار می‌ایستد. استدلال جنرال دوستم و حامیانش این است که پاک‌ترین و بیشترین رأی را اشرف غنی از ازبیک‌ها

بی توجهی به مساله‌ی آلودگی هوا در کشور

عرفان مهران

چهلک

سخن‌سازان

مجازات یا عدالت؟

چند روز پیش آوازه افتاد که مردی در ننگرهار شکایت کرده که کسی در حق او و خانواده‌اش ظلمی گران روا داشته. بر اساس گزارش رسانه‌ها، زورمندی دختر این مرد را به عقد خود در می‌آورد ولی آن دختر را به زودی به خانواده‌ی پدرش برمی‌گرداند و مدعی می‌شود که او باکره نبوده است. بعد، دختر نابالغ دیگر خانواده را به زور می‌برد و به عقد خود در می‌آورد. پدر آن دو دختر در تلویزیونی از این ظلم گریست و گریبان خود را پاره کرد. حالا گفته می‌شود که آن ستمگر زورمند در ننگرهار بازداشت شده است.

اکنون، سناریوهای مختلفی ممکن است باز شوند. شاید آن زورمند ننگرهار از بازداشت رها شود و در بدل رهایی‌اش از او قول گرفته شود که دیگر مزاحم آن خانواده و دخترانش نشود (این که آن دو دختر پیشاپیش مورد تجاوز قرار گرفته‌اند هیچ). شاید هم قبیله‌ی‌ها و افراد خانواده‌ی آن زورمند بر والی و مقامات امنیتی ننگرهار فشار بیاورند که هرچه زودتر آن ستمگر را آزاد کنند؛ شاید تهدید کنند که آزاد نشدن او به معنای فلان و فلان دگرگونی‌ها در نظام وفاداری قبیله‌ی خواهد بود. شاید آن زورمند محاکمه شود و در نتیجه برای مدت زیادی در زندان بماند و بخشی از مجازات‌اش این باشد که تاوان مالی سنگینی نیز به خانواده‌ی قربانی بپردازد.

آنچه بیشتر محتمل است این است که ترکیبی از چانه‌زنی‌های ریش سفیدانه/ قبیله‌ی کل ماجرا را به نحوی خاک‌پوشی کرده و رضایت‌گویی از هر دو طرف بگیرد و قصه را پایان بخشد و هر کس برود پی کار خویش. اما حتا اگر فرض کنیم که آن زورمند واقعا در بند بماند و به خاطر ظلمی که روا داشته مجازات شود، آنچه به‌عنوان یک مشکل بنیادین در ملک ما سر جای خود می‌ماند این است که در این کشور عدالت به‌عنوان یک سیستم همیشه فعال و مستقر کار نمی‌کند. حداکثر، در مواردی با نمونه‌های گسسته‌ی از مجازات افراد سروکار داریم نه با نظامی از عدالت. عدالت به‌مثابه‌ی یک سیستم تضمین می‌کند که از این پس نیز کسی در جایی جسارت نکند و ظلمی از این دست بر کسی روا ندارد. اما این تک‌مجازات‌ها حتا به نفع بعدی هم هشدار کافی نمی‌دهد. تصور عمومی این است که فلائی نتوانست از مجازات فرار کند، چون تاونش را نداشت. اما فلائی‌های دیگر که می‌توانند ماشین مجازات را متوقف کنند، چرا باید از سرنوشت آن فرد به بند افتاده عبرتی بگیرند؟



امتناع از مساله‌پنداری آلودگی هوا در کشور باعث گردیده که هیچ اقدامی در جهت بهبود وضعیت موجود صورت نگیرد. در حال حاضر نه اداری ملی حفاظت از محیط زیست، نه شهرداری‌ها و نه هم هیچ اداره‌ی دیگری برنامه‌ی مشخصی برای بهبود وضعیت روی دست ندارند. بودجه‌ی که سالانه برای حفاظت از محیط زیست در کشور اختصاص داده می‌شود بسیار ناچیز است و همین اندک بودجه‌ی اختصاص داده‌شده نیز به گونه‌ی درست به مصرف نمی‌رسد و بخش عمده‌ی آن در سیستم فاسد اداری کشور حیف و میل می‌گردد. مردم نیز که فکر می‌کنند آلودگی هوا یک مساله‌ی مقطعی است، اولویت را به گرمایش خانه‌های‌شان می‌دهند و با بی توجهی تمام به مساله‌ی آلودگی هوا، اقدام به گرم کردن خانه‌های‌شان می‌کنند.

اقدامات برای حل این مساله باید در دو زمینه انجام شود: از یک‌طرف باید آگاهی کافی به مردم داده شود تا همه مساله‌ی آلودگی هوا را به‌مثابه‌ی یک مساله‌ی جدی درک کنند و بپذیرند که مصرف بی‌رویه‌ی انرژی‌های ناپاک می‌تواند نه تنها بر وضع صحی‌شان اثرات بد بر جا بگذارد، بلکه می‌تواند فشارهای زیادی را بر منابع غذایی، آب و هوا و حتا نسل‌های آینده‌ی‌شان تحمیل کند. از طرف دیگر دولت و به‌خصوص نهادهای مسئول باید کارهایی عملی را در این زمینه روی دست بگیرند. تلاش برای تامین انرژی پاک مورد نیاز شهروندان، وضع محدودیت‌های قانونی بر مصرف انرژی‌های ناپاک و آلاینده، گسترش ساحات سبز در مناطق شهری و توزیع مناسب جمعیت در شهرها، می‌تواند در این زمینه مفید واقع شود. بدیهی است که اگر این اقدامات از حالا انجام نشود، سال‌های آینده مشکلات بیشتری بروز خواهد کرد و حل آن هزینه‌های سنگین‌تری را نیاز خواهد داشت.

بسیار ناچیز است و همین اندک بودجه‌ی اختصاص داده‌شده نیز به گونه‌ی درست به مصرف نمی‌رسد و بخش عمده‌ی آن در سیستم فاسد اداری کشور حیف و میل می‌گردد. مردم نیز که فکر می‌کنند آلودگی هوا یک مساله‌ی مقطعی است، اولویت را به گرمایش خانه‌های‌شان می‌دهند و با بی توجهی تمام به مساله‌ی آلودگی هوا، اقدام به گرم کردن خانه‌های‌شان می‌کنند. این مساله نباید بیش از این مورد بی توجهی قرار گیرد. حل مساله‌ی آلودگی هوا یک ضرورت جدی در کشور است و باید هم دولت و هم نهادهای جامعه‌ی مدنی و دیگر نیروهای اجتماعی تلاش کنند راه‌حلی برای این کار پیدا کنند. همه باید خطرات ناشی از آلودگی هوا را جدی بگیرند. این خطرات نه تنها مربوط به صحت و سلامت انسان‌ها است، بلکه فراتر از آن تداوم این وضع می‌تواند فشار بیشتری را بر محیط زیست، حیوانات، منابع غذایی، حاصل‌دهی زمین‌های زراعتی و در نهایت با تأثیرات عمیق‌تر منجر به خشکسالی‌های بیشتر نیز گردد.

آلودگی هوا در شهرهای افغانستان به‌خصوص کابل پایتخت، به بدترین وضع خود رسیده است. استفاده‌ی بی‌رویه‌ی شهروندان از زغال‌سنگ برای گرمایش خانه‌ها، افزایش وسایط نقلیه و استفاده‌ی مواد سوختی بی کیفیت در آنان و تراکم کثافات در گوشه و کنار شهر، کابل و برخی از شهرهای دیگر افغانستان را به شدت آلوده کرده است. فصل زمستان در شهرهای افغانستان به‌خصوص کابل، فصل خطرناکی است و تولید قابل توجه کاربن‌دای‌اکساید توسط بخاری‌های زغالی، آلودگی هوا را به بالاترین سطح ممکن می‌رساند.

این مساله در حال حاضر یکی از نگرانی‌های جدی در میان مردم می‌باشد. روزانه صدها نفر به دلیل آلودگی شدید هوا در کابل و شهرهای دیگر کشور، روانه‌ی بیمارستان‌ها می‌شوند. هرچند آمار مشخصی در این زمینه وجود ندارد، اما بی گمان شمار کسانی که به دلیل آلودگی هوا در کشور گرفتار بیماری می‌شوند و در نهایت جان می‌دهند، خیلی زیاد می‌باشد.

علی‌رغم این‌که این مساله همگان را در کشور متأثر کرده است، اما هیچ‌کسی توجهی به مساله‌ی آلودگی هوا در کشور ندارند. در واقع هیچ‌کس به این فکر نیافتاده است که این وضعیت می‌تواند خطر جدی‌یی را متوجه سلامت خود و خانواده‌اش بسازد. مساله‌ی آلودگی هوا نه نزد مقام‌ها و ادارات مسئول دولتی و نه هم در نزد مردم و افکار عمومی یک مساله‌ی جدی پنداشته می‌شود. همه به‌نحوی مساله‌ی آلودگی هوا را یک امر گذرا و مقطعی می‌دانند، در حالی‌که چنین نیست و اثرات مخرب گازهای تولید شده در کشور می‌تواند برای مدت‌ها باقی بماند و وضعیت صحی افراد را متأثر سازد.

zaki.daryabi2@gmail.com

- ❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- ❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- ❖ سردبیر: خلیل پژواک
- ❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش
- ❖ گزارشگر: الیاس نواندیش
- ❖ ویراستار: عمران راتب
- ❖ صفحه آرا: هادی دریابی
- ❖ بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ❖ ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- ❖ آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- ❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- ❖ مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- ❖ چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

hussainjoya2014@gmail.com

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

۵۰ سرباز در یک انفجار انتحاری در یمن کشته شدند

را گرفتند. پس از تصرف صنعا، آقای هادی مجبور شد به کشور همسایه، عربستان فرار کند. شهر عدن از آن زمان به بعد مقر دولت آقای هادی بوده است. از زمان شروع این درگیری‌های داخلی در یمن که یکی از فقیرترین کشورهای منطقه است، تقریباً سه میلیون نفر آواره شده‌اند. به گزارش سازمان ملل متحد در جریان درگیری‌های دو سال گذشته در یمن، هزاران غیرنظامی کشته شده‌اند.

میان سربازانی که برای دریافت حقوق صف کشیده بودند، دست‌کم ۴۵ نفر را کشت و ۵۰ سرباز دیگر را هم مجروح کرد. عدن «پایتخت» فعلی ارتش و حامیان دولت عبدربه منصورهادی، رئیس‌جمهور یمن، محسوب می‌شود. نظامیان و نیروهای حامی عبدربه منصور هادی، از دو سال پیش با شورشیان حوثی که صنعا، پایتخت، را در تصرف دارند، در حال نبردند. حوثی‌ها با بیرون راندن دولت عبدربه منصور هادی در سال ۲۰۱۴ صنعا، پایتخت،

اطلاعات روز: روز گذشته یک بمب‌گذار انتحاری در بندر عدن در جنوب یمن دست‌کم ۵۰ سرباز را کشته و تعداد زیادی را زخمی کرده است. به نقل از بی‌بی‌سی، هدف این حمله سربازانی بودند که برای دریافت حقوق در مقابل یک پایگاه نظامی صف کشیده بودند. گروهی موسوم به دولت اسلامی (داعش) مسئولیت این انفجار را برعهده گرفته است. حدود یک هفته پیش در همین شهر، یک بمب‌گذار انتحاری با منفجر کردن خود در

بگو مگو 

Toos Tahmasebi



حوادث تلخی که این روزها در حلب می‌گذرد، مهم‌تر از هر چیز این معنای تکان دهنده را در خود دارد که در جهان امروز هم ممکن است حکومتی از طریق قتل‌عام و نابودی اکثریت اتباعش، بدون کوچک‌ترین عقب‌نشینی و اعطای امتیازی، بر جای خود باقی بماند. حکومتی که ده‌ها هزار تن را در چهار سال اخیر در زندان‌هایش از شکنجه و گرسنگی به قتل رساند، علیه تظاهرات مسالمت‌آمیز از بمباران هوایی و گلوله توپ تانک‌ها استفاده کرد و صدها فرزند موشک بالستیک دوربرد را علیه شهرها و مناطق مسکونی کشورش شلیک کرد.

شاید هیچ چیز بهتر از این دو واقعه تراژیک ماهیت حکومت اسد را نمایان نسازد: اول زمانی که دو سال پیش یکی از اعضای خانواده اسد که فرمانده ارتش است، یک سرهنگ ارتش را تنها به سبب آن‌که از اتومبیل او سبقت گرفته بود، به ضرب گلوله به قتل رساند و با هیچ مجازاتی مواجه نشد و دوم زمانی که چند ماه پیش دانشجوی دختر دانشگاه دمشق در سالن تشریح دانشکده پزشکی با جنازه برادرش مواجه شد که چندی قبل در یک ایست بازرسی توسط نیروهای دولتی بازداشت شده بود. خانواده‌اش گمان می‌کردند که او در بازداشت است، اما نیروهای دولتی او را زیر شکنجه کشته و جنازه‌اش را برای استفاده آموزشی به دانشکده پزشکی دمشق فرستاده بودند.

کاملاً قابل پیش‌بینی بود که با توجه به بافت اجتماعی سوریه در صورت تبدیل تظاهرات شهری به جنگ داخلی گروه‌های اسلام‌گرای سنی علم‌دار جبهه مخالفان شده و نیروی نجیب اما بسیار ارزشمند روشنفکران و طبقه متوسط سوریه در لهیب این آتش مثل برف آب خواهد شد. سازمان امنیت سوریه که با همکاری تهران تجربه سال‌ها ارتباط، تمهید تدارکاتی و انتقال نیروهای القاعده و دولت اسلامی به درون خاک عراق برای زمین گیر کردن ایالات متحده و برنامه خاورمیانه جدید را دارا بود، با موفقیت توانست روند قدرتمند شدن جناح بنیادگرای جهان وطن (داعش و النصره) در جبهه مخالف را از طریق روش‌های مشخصی تسریع نماید. این موضوع برای رژیم اسد و متحدانش حیاتی بود چرا که تنها از این طریق می‌شد مانع برخورد قاطع غرب و جامعه جهانی با بزرگ‌ترین قصابی دهه‌های اخیر گردید.

اما برای آن‌که به روشنی تشخیص دهید مقصر اصلی کیست، به تاریخ چهار دهه اخیر خاورمیانه نگاه کنید و روند شورش، انقلاب و انتقال قدرت در کشورهای مختلف منطقه را مرور نمایید. جنگ‌های داخلی خونین و مصیبت بار در چه نقاطی رخ داده‌اند؟ مهم‌ترین تفاوت ایران ۷۹، تونس ۲۰۱۰ و مصر ۲۰۱۱ با افغانستان ۷۹ و لیبی و سوریه ۲۰۱۱ چیست؟ اشتراک دو دسته مشخص است. در هر دو شما با دیکتاتوری‌های سرکوب‌گر مواجه هستید، اما دسته اول را دیکتاتوری‌های وابسته به غرب و فاقد ایدئولوژی توده‌یی تشکیل می‌دهند و دسته دوم دیکتاتوری‌هایی با ایدئولوژی استقلال طلبانه که آمیخته با ناسیونالیسم غرب‌سبزه است، را شامل می‌شود. کشورهای دسته دوم عموماً به مسکو نزدیک هستند. کشورهای دسته اول زمانی که با اعتراض و شورش گسترده مردمی مواجه می‌شوند به دلیل اهرم‌های فشار غرب و فقدان اعتماد به نفس ساختاری به سبب نداشتن ایدئولوژی سبزه‌جوی توده‌یی، قادر به مقاومت طولانی مدت و قتل‌عام وسیع مردم نیستند. اما چنین موانعی در مقابل دسته دوم وجود ندارد.

در دوران جنگ سرد مسکو و واشنگتن هر دو از دیکتاتوری‌هایی خونریز حمایت کردند. برای امریکایی‌ها این تنها یکی از ابزارهای سیاست خارجی برای شرایط تقابل دو قطبی به شمار می‌رفت که البته ممکن بود سال‌ها طول بکشد، اما زمانی که خطر کمونیسم روسی کاهش می‌یافت یا این ایده تقویت می‌شد که شاید به طرق دیگری هم بشود کمونیسم را متوقف کرد، حمایت از دیکتاتورهای پایانی می‌یافت و در اکثر موارد به سرنگونی آن‌ها می‌انجامید. در مورد مسکو اما این مسأله، یک فرهنگ سیاسی مبنایی و لایتغیر به شمار می‌رفت. مسکو و متحدانش از لحاظ ایدئولوژیک هیچ شیوه دیگری برای حکومت نمی‌شناختند. به همین دلیل است که انقلاب‌های مصر و تونس با ۵۰ یا ۵۰۰ کشته به نتیجه می‌رسد، اما در سوریه حکومت پس از قتل‌عام ۵۰۰ هزار نفر هنوز بر جای خود باقی است.

انتظار ساکنان شرق حلب برای خروج، همزمان با نگرانی از بروز فاجعه‌ی انسانی در شهر

حلب ابراز امیدواری کرده است. بنابراین گزارش حدود ۱۵ هزار نفر از ساکنان شرق حلب برای خروج از حلب انتظار می‌کشند که برخی از آن‌ها در میدانی منتظر ورود اتوبوس‌ها به این منطقه از شهر هستند. از سوی دیگر، شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار است در باره پیش‌نویس یک قطع‌نامه‌ی پیشنهادی کانادا تصمیم بگیرد که مشخص خواهد ساخت آیا بازرسانی را برای نظارت بر عملیات خروج مردم از شرق حلب، اعزام کند یا خیر. هر چند که مسکو پیشاپیش با چنین قطع‌نامه‌یی مخالفت کرده است. با این حال، فرانسه نیز پیشنهاد داده است تا نظارت بین‌المللی بر روند خروج از حلب، عملیات اضطراری ارسال کمک و حفاظت از غیرنظامیان صورت بگیرد. این کشورها نگران وخیم تر شدن بحران انسانی در شرق حلب و اطراف آن هستند.

گفته می‌شود تخلیه‌ی زخمی‌های این دو روستای شیعه‌نشین که در محاصره‌ی مخالفان دولت هستند، شرط حامیان دولت سوریه برای خروج مخالفان از شرق حلب است. شرق حلب که حدود چهار سال در کنترل مخالفان دولت بشار اسد بود، هفته‌ی گذشته تقریباً به‌طور کامل به تصرف نیروهای دولتی درآمد. دولت سوریه و مخالفان آن توافق کردند که ضمن برقراری آتش‌بس، شورشیان و خانواده‌های آن‌ها امکان خروج از شرق حلب و انتقال به مناطق دیگر تحت کنترل مخالفان دولت را بیابند. به گفته شورشیان روند انتقال به دلیل شرط ایران برای خروج همزمان زخمی‌ها از دو روستای حامی دولت، کفریا و فوعه، متوقف شده بود. خبرگزاری رویترز روز یکشنبه گزارش داد که صلیب سرخ جهانی نسبت به بازگشت اتوبوس‌ها و از سرگیری خروج ساکنان شرق

اطلاعات روز: در حالی‌که گفته می‌شود اتوبوس‌ها برای خروج مخالفان دولت سوریه و خانواده‌های آن‌ها وارد شرق حلب شده‌اند، گزارش‌ها حاکی از تنش و اختلال در عملیات خروج از حلب است. به نقل از بخش فارسی صدای امریکا، منابع دولتی در سوریه یک روز پس از توقف عملیات خروج ساکنان شرق حلب، روز یکشنبه خبر از ورود اتوبوس‌ها به این منطقه و از سرگیری روند خروج مخالفان، همزمان با خروج زخمی‌های ساکن دو روستای شیعه‌نشین، دادند. اما سازمان نظارت بر وضعیت حقوق بشر سوریه مستقر در لندن روز یکشنبه گزارش داد اتوبوس‌هایی که برای خروج مردم دو روستای کفریا و فوعه به منطقه رفته بود، هدف حمله قرار گرفتند و برخی از آن‌ها به آتش کشیده شدند.

پایان تور تشکر ترامپ از رای‌دهندگان

سیاست کشورش را داده است، تاکنون جیمز متیس را به‌عنوان وزیر دفاع، جان کلی را در جایگاه وزیر امنیت ملی و رکس تیلسون را به عنوان وزیر داخله‌ی کابینه‌اش معرفی کرده است. اغلب اعضای کابینه‌ی منتخب آقای ترامپ، بیش از سوابق سیاسی، دارای سوابق کاری تجاری هستند.

«میشل اوباما دیروز گفت امیدی نیست. اما من فکر می‌کنم او درباره‌ی گذشته حرف می‌زد نه آینده، چون من می‌گویم ما امیدی عظیم، نویدهایی عظیم و قابلیت‌هایی عظیم داریم. کشور ما دوباره پیروز خواهد شد و ما عالی خواهیم بود.» ترامپ که پیش از این وعده‌ی تغییر عمده در

اطلاعات روز: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب امریکا روز گذشته با حضور در شهر موبیل آلاباما، جایی که کارزار انتخاباتی خود را در آن آغاز کرده بود، اعلام کرد به تور خود برای تشکر از رای‌دهندگانش پایان می‌دهد. به نقل از یورو نیوز، وی در جمع هواداران خود به سخنان اخیر میشل اوباما اشاره کرد و گفت:

چین تحت‌البحری بدون سرنشین امریکا را باز می‌گرداند

برده است.» وزارت دفاع ایالات متحده گفته است که کشتی تحت‌البحری به گونه‌ی قانونی مصروف انجام عملیات بود و به وضوح علامت ملکیت ایالات متحده نیز روی آن مشخص شده بود. به گفته‌ی پنتاگن، آن کشتی در باره‌ی شوری، درجه‌ی حرارت و شفافیت آب حدود ۵۰ مایل آبی جنوب غرب آب‌های فیلیپین معلومات جمع‌آوری می‌کرد. مقام‌های امریکایی گفته‌اند که آن کشتی درست در ساعتی ضبط شد که نیروی بحری امریکای می‌خواست آن را از آب بگیرد.

سرنشین را دوباره تسلیم می‌شود. پیتز کوک، سخنگوی پنتاگن طی اعلامیه‌یی گفته است: «با تعامل مستقیمی که با مقامات چینایی داشتیم به این درک رسیدیم که چین آن کشتی را به ایالات متحده دوباره تسلیم می‌دهد.» این رویداد واکنش دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب امریکا را نیز برانگیخته است. آقای ترامپ در تویتر خود نگاشته است: «چین کشتی تحت‌البحری نیروی بحری ایالات متحده را در آب‌های بین‌المللی ربوده است - از آب بیرون کشیده و طی یک اقدام بی‌پیشینه به چین

اطلاعات روز: مقام‌های امریکایی و چینایی روز شنبه گفتند که بیجینگ کشتی تحت‌البحری بدون سرنشین امریکایی ضبط شده توسط نیروی بحری چین را دوباره بر می‌گرداند. کشتی تحت‌البحری بدون سرنشین روز پنج‌شنبه در آب‌های جنوب چین ضبط شد که به ذات خود نخستین ضبط همچو یک کشتی در این اواخر می‌باشد. به نقل از صدای امریکا، وزارت دفاع ایالات متحده به گونه‌ی علنی به‌خاطر این رویداد شکایت کرد و روز شنبه اعلام داشت که به توافقی دست یافته و کشتی تحت‌البحری بدون

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: ایران به تعهدات برجام عمل کرده است

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران تصدیق کرد «تاکنون ایران به تعهدات خود عمل کرده و این مهم است.» بر اساس توافق‌نامه‌ی هسته‌یی سال ۲۰۱۵، ایران تعهد کرده‌بود که در ازای رفع تحریم‌ها، فعالیت‌های هسته‌یی خود را به‌شدت کاهش دهد. پس از تصویب تحریم‌ها در کنگره امریکا، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران در واکنش به این اتفاق دستور داد تا دانشمندان هسته‌یی این کشور برای توسعه‌ی پیش‌ران‌های دریایی اتمی دست به کار شوند.

از تخلف واشنگتن در عمل به تعهداتش در توافق هسته‌یی (برجام) شکایت کرد. واشنگتن به تاریخ ۱۵ دسامبر اعلام کرد که تمدید تحریم‌های ایران بدون امضای باراک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده‌ی امریکا به قانون بدل می‌شود. در این بیانیه آمده بود که تمدید این تحریم‌ها بر پیاده‌سازی کلی توافق‌نامه‌ی هسته‌یی بین ایران و قدرت‌های ۱+۵ تأثیری نخواهد داشت. به نقل از رادیو زمانه، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از دیدار با علی اکبر صالحی،

اطلاعات روز: یوکیا آمانو، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به تهران سفر کرده می‌گوید ایران به تعهدات خود در توافق‌نامه‌ی هسته‌یی عمل کرده است. وی به روز یکشنبه به خبرنگاران گفت «ما از روند پیاده‌سازی توافق راضی هستیم و امیدواریم که این فرایند ادامه داشته باشد.» گفته‌های آقای آمانو پس از آن بازتاب می‌یابد که در پی تمدید قانون تحریم‌های ایران در کنگره‌ی امریکا برای ۱۰ سال دیگر، تهران



زیدان و تنها ۱۱ ماه زمان برای رسیدن به موری نیو

زین الدین زیدان دیروز توانست سومین افتخار ارزشمند را برای رئال مادرید به ارمغان بیاورد؛ در حالیکه ۱۱ ماه و نیم از حضورش روی نیمکت کهکشانی‌ها می‌گذرد.

زیزو ۴ جنوری ۲۰۱۶ جانشین رافا پینتس در رئال شد و توانست این تیم را متحول کند. او پس از ۱۱ ماه حضورش روی نیمکت رئال، انواع رکوردها را شکسته و توانست سال ۲۰۱۶ را با سه جام مهم و با تنها ۲ باخت به اتمام برساند. رئال در سال ۲۰۱۶ تنها به ولفسبورگ و اتلتیکو باخت و در ۳۷ بازی گذشته نیز بی‌شکست بوده؛ رکوردی که در تاریخ رئال بی‌سابقه است.

زیزو همچنین توانست رکورد بهترین شروع رئال در یک فصل را نیز به تنهایی از آن خود کند. این رکورد را پیش از این با کاپلو مشترک بود. رئال در ۲۶ بازی فصل جاری بی‌شکست بوده است. او ابتدا رئال را قهرمان چمپیونزلیگ کرد و فتح سوپرکاپ اروپا، دومین افتخار زیزو با رئال بود. دیروز هم با شکست ۴-۲ کاشیما، رئال توانست قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها شده و سومین جام مهم فصل را نیز کسب کند. نکته جالب این‌جاست که زیدان تنها ۱۱ ماه برای رسیدن به سه جام برای رئال وقت می‌خواست؛ در حالیکه موری نیو در سه فصل حضورش در رئال توانسته بود سه جام برای این تیم به ارمغان بیاورد. موری نیو سال ۲۰۱۱ رئال را قهرمان کوپا دل ری کرد و در سال ۲۰۱۲ نیز قهرمانی لالیگا و سوپرکاپ اسپانیا را به ویرترین افتخارات کهکشانی‌ها افزود.

خامس: به جدایی از رئال فکر می‌کنم

خامس رودریگز، ستاره کلمبیایی، در پایان بازی رئال و کاشیما به خبرنگاران اهل آمریکای جنوبی حاضر در میکسدزون ورزشگاه یوکوهاما گفت که به صورت جدی به جدایی از رئال فکر می‌کند. نیمکت‌نشینی در فینال جام جهانی باشگاه‌ها برای خامس گران تمام شده و او در پایان بازی از احتمال جدایی خود از رئال خبر داد. خبری که پس از قهرمانی رئال در جام جهانی باشگاه‌ها، کام رئالی‌ها را تلخ کرد.

خامس رودریگز، ستاره کلمبیایی، در پایان بازی رئال و کاشیما به خبرنگاران اهل آمریکای جنوبی حاضر در میکسدزون ورزشگاه یوکوهاما گفت که به صورت جدی به جدایی از رئال فکر می‌کند. نیمکت‌نشینی در فینال جام جهانی باشگاه‌ها برای خامس گران تمام شده و او در پایان بازی از احتمال جدایی خود از رئال خبر داد. خبری که پس از قهرمانی رئال در جام جهانی باشگاه‌ها، کام رئالی‌ها را تلخ کرد.

برابری رئال مادرید با رکورد ویژه بارسلونا

رئال مادرید با پیروزی ۴-۲ بر کاشیما و کسب عنوان قهرمانی جام جهانی باشگاه‌ها توانست با رکورد ویژه بارسلونا در هزاره جدید برابری کند. رئال دیروز توانست با پیروزی بر کاشیما انترلز جاپان، برای پنجمین بار قهرمان باشگاه‌های جهان شود و از این حیث رکورد جدیدی به ثبت برساند.

این جام ارزشمند همچنین دهمین جام بین‌المللی رئال از سال ۲۰۰۰ نیز بود و بدین ترتیب آن‌ها با رکورد بارسلونا برابری کردند. رئال از سال ۲۰۰۰ توانسته ۴ بار قهرمان چمپیونزلیگ، ۳ بار فاتح سوپرکاپ اروپا و سه بار نیز فاتح جام جهانی باشگاه‌ها شود. پس از رئال و بارسا، سویا با ۶ قهرمانی بین‌المللی و بایرن و میلان نیز با ۵ عنوان قرار دارند. زیدان که توانست سومین افتخار مهم در سال ۲۰۱۶ را نیز برای رئال به ارمغان بیاورد، پیش از بازی دیروز گفته بود که هدف او ساختن یک تیم متحد و فتح همه جام‌هاست و او یک سال پس از نشستش روی نیمکت رئال، تقریباً به اکثر اهداف موردنظر خود رسیده است. حالا زیزو برای کسب قهرمانی در لالیگا که فصل گذشته با یک امتیاز اختلاف از بارسا از دست داد خیز بر می‌دارد.

ناینگولان: چانس مان برای قهرمانی کاهش یافت

راجا ناینگولان، هافبک رم پس از شکست شنبه‌شب تیمش مقابل یوننتوس تأیید کرد که چانس این تیم برای کسب قهرمانی کاهش یافته است. شاگردان اسپالتی شنبه‌شب مغلوب تک گول گونزالو ایگواین شدند تا یووه به بیست و پنجمین پیروزی پیاپی خانگی‌اش دست پیدا کند. حال بیانکونری‌ها با ۷ امتیاز اختلاف نسبت به گرگ‌ها در صدر جدول قرار گرفته‌اند و ناینگولان مدعی شد که چانس تیمش برای کسب پیروزی کاهش یافته است.

او گفت: «مسلماً این شکست با توجه به عملکردمان خیلی دردناک بود زیرا ما ضعیف‌تر از یوننتوس نیستیم و بدتر از آن‌ها نیز بازی نکردیم. یک اتفاق نتیجه بازی را رقم زد. موقعیت‌هایی روی کرنر داشتیم ولی توپ‌های مان به گول تبدیل نمی‌شد. فکر می‌کنم می‌توانیم از عملکردمان راضی باشیم زیرا بازی کردن در ورزشگاه یوننتوس کار ساده‌ی نیست. صادقانه بگویم اختلاف ۷ امتیازی زیاد است، یعنی یووه باید ۳ بازی شکست بخورد. باید ایمان داشته باشیم ولی کارمان خیلی سخت شد. اگر این‌طور بازی کنیم، امکانش خواهد بود زیرا به نظرم تساوی نتیجه عادلانه‌ی برای امشب بود.»



زیدان: ۲۰۱۶ برای همه ما باورنکردنی بود

کرد. امروز بار دیگر نشان دادیم که رئال هرگز پاپس نمی‌کشد و می‌تواند کارهای مهمی انجام دهد. حالا باید به همین روند ادامه دهیم. می‌دانیم که تا پایان فصل راه درازی باقی مانده است. خوشبختانه چند روزی برای استراحت و جشن گرفتن کنار خانواده‌های مان وقت داریم. امیدوارم ۲۰۱۷ نیز مانند ۲۰۱۶ پر از موفقیت باشد. «

زیدان ادامه داد: «برخی مواقع خوب بازی نمی‌کنیم و پیروز می‌شویم؛ ولی این در فوتبال طبیعی است. سفری طولانی تا جاپان داشتیم و این تأثیرگذار بود با این حال من همیشه مثبت فکر می‌کنم. معتقدم می‌توانیم بهتر شویم و اینچنین نیز خواهیم کرد. رئال تیمی پر از استعدادهای بزرگ است.»

ترس از افت در ۲۰۱۷: «آن‌چه دو سال پیش برای تیم آنجولوتی رخ داد، به گذشته مربوط است. البته حرف زدن در موردش خوب است چون می‌تواند تکرار شود و باید مراقب باشیم.»

ایگواین: یووه عطشی دیوانه‌وار در خود دارد

او گفت: «عطشی که تیم هنوز برای پیروزی دارد من را شگفت‌زده کرده است. این تیم ۵ سال پیاپی قهرمان لیگ شده و هنوز با عطشی دیوانه‌وار به دنبال قهرمانی است. این باعث می‌شود من هم به دنبال کسب پیروزی و خوب کار کردن باشم. یووه تیم بسیار قدرتمندی است و روحیه قوی دارد. از این پیروزی خوشحالم و این‌که ۷ امتیاز در این مقطع مهم از فصل نسبت به رقبا بالاتر باشیم بسیار اهمیت داشت. بازی سختی بود، می‌دانستیم که با اختلاف گول کم نتیجه آن مشخص خواهد شد.»

زلاتان ثابت کرده سوپرمن است

دسته بازیکنانی است که نیازی ندارد چیزی را به کسی ثابت کند ولی وقتی تصمیم گرفت در آخرین مقطع فوتبالش به انگلیس بیاید، به سخت‌ترین لیگ دنیا، فکر می‌کنم نشان داد که از نظر روحی روانی مثل سوپرمن است. او فوق‌العاده کار کرده است. در ۳۵ سالگی، او عملکردی داشته که فکر می‌کنم برای مهاجمان ۲۵ ساله هم رویا بوده است. باید به او استراحت بدهم زیرا هفته سختی پیش رو داریم.»

زین الدین زیدان هنوز یک سال از نشستش روی نیمکت رئال نمی‌گذرد با این حال توانسته کهکشانی‌ها را به سه جام ارزشمند برساند. رئال ابتدا با زیدان در لیگ قهرمانان با شکست اتلتیکو قهرمان اروپا شد و سپس با غلبه بر سویا توانست فاتح سوپرکاپ اروپا شود. دی‌شب هم رئال توانست با شکست ۴-۲ کاشیما، قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها شود.

رئال در این بازی تا مرز شکست هم پیش رفت؛ اما به لطف هت‌تریک رونالدو توانست باخت ۱-۲ را با پیروزی عوض کند.

زیدان در پایان بازی گفت: «۲۰۱۶ برای من، بازیکنان و هواداران رئال باورنکردنی و فوق‌العاده بود. به خاطر عملکردمان بسیار خوشحالم. رسیدن به این موفقیت کار ساده‌ی نبود و در این راه سختی‌های زیادی هم کشیدیم. امروز همه دیدید که برای رسیدن به قهرمانی چه مانع سختی را از پیش رو برداشتیم. کاشیما کمی من را شگفت‌زده

رسیدن بوفون به ۲۰۰ کلین شیت در یووه

جیانلوئیجی بوفون، کاپیتان یوننتوس شنبه شب دوصدمین کلین شیتش در درون دروازه این تیم را در مقابل رم به ثبت رساند.

باتوی پیر با کسب پیروزی مقابل رم اختلافش را در صدر جدول به ۷ امتیاز افزایش داد. این در حالی بود که با وجود ضعف دفاعی مشهود یووه در درون دروازه، بوفون نقطه اتکا تیم بود و عملکرد بسیار خوبی داشت.

او دو حفظ خیلی خوب در جریان بازی داشت و در طول فصل نیز عملکردی بی‌نقص داشته و تعداد کلین‌شیت‌های متوالی‌اش را به عدد ۱۰ رسانده که رکورد جدیدی در کارنامه‌اش محسوب می‌شود.

او سال ۲۰۰۱ از پارما به یووه پیوست و از آن زمان، موفق شده رکورد بیشترین کلین شیت را بشکند و شنبه‌شب که گذشت، موفق شد آن را به عدد ۲۰۰ برساند. بوفون تا سال ۲۰۱۸ با یووه قرارداد دارد و گفته می‌شود در پایان جام جهانی ۲۰۱۸ خداحافظی خواهد کرد.

رونالدو: این بهترین پایان برای سال ۲۰۱۶ بود

کریستیانو رونالدو با هت‌تریک دیروز خود برابر کاشیما کمک کرد رئال فاتح جام جهانی باشگاه‌ها شود. رئال تا دقیقه ۶۰ از کاشیما ۲-۱ عقب بود اما سه گول رونالدو که دو تایش در وقت‌های اضافه اول بود، کمک کردند تا رئال از یک فاجعه جلوگیری کرده و قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها شود.

رونالدو با ثبت ۴ گول در این رقابت‌ها عنوان آقای گولی و همچنین بهترین بازیکن را کسب کرد.

برنده توپ طلای ۲۰۱۶ در پایان بازی به خبرنگاران گفت: «فینال بسیار دشواری بود و برای پیروزی بسیار سختی کشیدیم؛ اما همه فینال‌ها همین‌گونه هستند. یک سال رویایی، رویایی‌تر هم تمام شد. فکر نمی‌کردم سال ۲۰۱۶ را به این خوبی تمام کنم. هت‌تریک در فینال و در نهایت کسب عنوان قهرمانی. این بهترین و کامل‌ترین پایان برای سال ۲۰۱۶ بود. همیشه انتظارات از من بالاست ولی وقتی توقعات برآورده نمی‌شود، یعنی نتوانسته‌ام. بدون کمک هم تیمی‌هایم نمی‌توانستم برنده توپ طلای ۲۰۱۶ و نیز بهترین بازیکن جام جهانی باشگاه‌ها شوم. از همه آن‌ها متشکرم.»





کرده‌اند. همچنان آنان بر تحکیم روابط افغانستان با همسایه‌ها تأکید کرده‌اند. نشست مشورتی رییس‌جمهور با شخصیت‌های سیاسی در روزهای اخیر افزایش یافته است. این نشست‌ها در حالی ست که مسأله‌ی جنجال جنرال دوستم با احمد ایشچی داغ است و همچنان عطا محمد نور سرپرست والی بلخ در حال مذاکره با ارگ.

در نشست قبلی ارگ با این شخصیت‌ها که در مورد ادعای احمد ایشچی علیه جنرال دوستم برگزار شده بود، آنان از موقف حکومت که همانا بررسی قضیه توسط نهادهای قضایی است، پشتیبانی کرده بودند.

رییس مجلس نمایندگان، فضل‌هادی مسلمیار رییس مجلس سنا، محمدخان و محمد محقق معاونین ریاست اجراییه، محمد یونس قانونی، محمدکریم خلیلی معاون ارشد شورای عالی صلح، محمد حنیف امر مشاور امنیت ملی، هدایت امین ارسال، محمد اسماعیل خان، احمد نادر نادری مشاور ارشد رییس‌جمهور در امور روابط عامه و استراتژیک و محمد اکرم خیلواک نماینده‌ی خاص رییس‌جمهور در امور سیاسی حضور داشته‌اند. براساس خبرنامه‌ی ارگ، اشتراک کنندگان در این نشست، نظریات‌شان را روی تحکیم مناسبات با کشورهای همسایه تأمین ثبات منظوقی و گسترش امنیت در افغانستان به‌صورت همه‌جانبه بیان

دومین نشست مشورتی رییس‌جمهور با شخصیت‌های سیاسی و جهادی در فاصله‌ی سه روز

و گسترش امنیت در افغانستان و کشورهای منطقه بحث‌های همه‌جانبه و عمیق صورت گرفت. در این نشست محمد سرور دانش معاون دوم ریاست‌جمهوری، داکتر عبدالله عبدالله رییس اجراییه، حامد کززی رییس‌جمهور پیشین، پیر سیداحمد گیلانی رییس شورای عالی صلح، عبدالرب رسول سیاف، محمد یوسف حلیم قاضی القضاة و رییس ستره‌محکمه، عبدالرئوف ابراهیمی

اطلاعات روز: رییس‌جمهور غنی طی روزهای اخیر برای دومین بار نشست مشورتی را دیروز با شخصیت‌های سیاسی، ملی و جهادی کشور برگزار کرد.

دفتر رسانه‌های ریاست‌جمهوری در خبرنامه‌ی نوشته است که در این نشست روی موضوعات مختلف به‌ویژه «تحکیم مناسبات با کشورهای همسایه در چوکات منافع ملی، تأمین ثبات منظوقی

افغان را بیشتر کرد. پس از تنش مرزی در تورخم میان افغانستان و پاکستان، فشارها بر مهاجران افغان نیز افزایش یافت.

رییس‌جمهور غنی گفته بود که پاکستان از مهاجران افغان منحیت فشار سیاسی بر حکومت افغانستان استفاده می‌کند.

هجدهم دسامبر، برابر است با روز جهانی مهاجرت که این روز به احترام میلیون‌ها نفر که کشور خود را به امید یافتن زندگی بهتر ترک کرده‌اند، مسمی شده است. افغانستان، این روز را در حالی تجلیل می‌کند که، در حال حاضر میلیون‌ها شهروندش در کشورهای جهان به‌عنوان مهاجر زندگی می‌کنند.

فراهم گردیده است.

در همین حال، نصیراحمد حیدری، رییس روابط عامه‌ی سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM)، گفته، در سال روان، ۶۶۰ هزار مهاجر، فاقد اسناد مهاجرت بوده که اکثر آنان از پاکستان برگشته‌اند.

آقای حیدری افزوده که اداره‌ی آنان در بندر تورخم برای بازگشت کنندگان مواد خوراکی و زمینی اسکان کوتاه مدت فراهم می‌کند تا بی‌سرپناه نباشند. اما برای هر عضو خانواده‌ی که اسناد مهاجرت دارند؛ بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ دالر امریکایی نیز از سوی این اداره برای آنان توزیع می‌گردد. در سال جاری پاکستان فشار بر مهاجران

برگشت بیش از یک میلیون مهاجر در سال جاری به افغانستان

اشتراک کرده بود، گفت که برای مستقر شدن مهاجران بازگشته دو شهرک در ولایت ننگرهار اختصاص یافته است که بالای یکی آن کار شروع شده است.

وزارت امور مهاجرین می‌گوید که در یکی از این شهرک‌ها، ۳۰ هزار خانواده جابه‌جا شده‌اند. هم‌چنان یک شهرک دیگر در ولایت لغمان به تازگی افتتاح شده است که به گفته‌ی معین وزارت مهاجرین، زمینی اسکان ۱۲ هزار خانواده

اطلاعات روز: مقام‌ها در وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان می‌گویند که در سال جاری بیش از یک میلیون مهاجر افغان به کشور برگشته‌اند. احمد ولی حکیمی، معین وزارت مهاجرین گفته است اکثر این مهاجران از پاکستان برگشته‌اند و ۶۰ فیصد آنان در ولایت شرقی ننگرهار جابه‌جا شده‌اند.

آقای حکیمی که دیروز (یکشنبه، ۲۸ قوس) در مراسمی به‌مناسبت روز جهانی مهاجرت در ننگرهار

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

- 1 مسافرین محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انت‌خاب سیت برای مسافرین محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافرین محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافرین گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

ولسی ترون، د خلکو د هوساینې ژمنه

د ولسي ترون لارښوونې غونډه
مخلكو د هوساينې شتون لارښوونې
Launching Ceremony of Citizens' Charter

- د خلکو د اقتصادي ودې له پاره ژمنه
- د پراختيا له پاره ژمنه
- په ټول هيواد کې د اندوليز ښاري او کليوالي خدمتونو د سرته رسولو ژمنه

دې پروگرام ته هیله من دي چې په خپلو پروژو سره د دوی کرښې زیربناوې ورغوي، خو له اقتصادي پلوه په خپلو پښو ودرېږي. هغوی د روغتیايي خدمتونو غوښتونکي دي. خلک غواړي ښوونې او روزنې ته لاس رسی ولري او د ژوند له عصري امکاناتو نه برخمن وي. د ځیناک پاکي اوبه ورته برابري شي. د بریښنا له انرژۍ نه برخمن شي، او هغو نورو عصري امکاناتو ته لاس رسی ومومي چې اوسنی عصر یې ایجابوي.

د کندهار ولایت د پنجوايي ولسوالۍ د یوه کلي د پراختیايي شورا رییس حاجي نیک محمد داسې وویل:

« مونږ په ملي پيوستون پروگرام کې ډیر ښه پرمخ ولاړو او هیله من یو چې د ولسي ترون ملي پروگرام په تطبیق سره به زمونږ پاتې ستونزې په بشپړه توګه له منځه لاړې شي. زما په نظر ددې دوو پروگرامونو تر منځ توپیر دادی چې په ولسي ترون کې لوی او کوچنی شتون نه لري. ټولو افغانانو ته په یوه نظر کتل کېږي، د ښاري او کليوالي اوسیدونکو حقوق یو شان دي. اووه ارګانونه پکې په ګډه سره کار کوي او د ملي پيوستون پروگرام د پراختیايي شوراګانو تر سیوري لاندې، خلکو ته پیسې ورکول کېږي خو د خپلو کلیو د ودانولو له پاره ولګوي.»

ټاکل شویده د ولسي ترون ملي پروگرام له لارې خلکو ته شپږ اساسي خدمتونه لکه: ښوونه او روزنه، داوبو مدیریت (اوبه لګول، د سیلاوونو کنترول، د ځیناک اوبو برابرول او چاپیریال ساتنه) د تجدید وړانګې یا بریښنا رسول، د ښارونو او کلیو ښلول او په کلیو کې د کرښو ورو زیږولو ترویج اوجوړول وړاندې شي.

د ولسي ترون په ملي پروگرام کې د یوشان او متوازنې پراختیا اصل، جدا مطرح دی، څرنگه چې د افغانستان ولسمشر هم ورته اشاره وکړه: «موږ ټول افغانان به د یوه ملي پروگرام په چوکات کې راځو. زه تاسو ته ډاډ درکوم چې نا امنو سیمو ته به خو، نا امنې ددې لامل نشي کیدای چې خدمتونه وړاندې نه کېږو.

د ولسي ترون په ملي پروگرام کې د ټولنې په هغو بې برخو سیمو او خلکو چې پدې وروستیو کلونو کې له پراختیايي خدمتونو نه محروم پاتې دي، ټینګار کېږي.»

له نیکه مرغه د ولسي ترون ملي پروگرام د خلکو د همدې آرمان د ترسره کیدو له پاره، اعلام شوی، خو کولی شي زموږ ټولو هیوادوالو ته په لپراخه توګه د اقتصادي ودې، ټولنیزې هوساینې او پراختیا زمینې برابرې کړي.

رسماً پراختیا او دیو ه متمدنه او ودان افغانستان دراتلونکي په هکله د هیواد ټولو ښاري او کليوالي اوسیدونکو ته زیری ورکوي.

د ولسي ترون ملي پروگرام د هیواد په کچه یو لوی پراختیايي، اقتصادي او ټولنیز پروگرام دی. دغه پروگرام د «خلکو او دولت» او د «دولت او خلکو» تر منځ دوه اړخیزه ژمنه ده. پدې برخه کې د افغانستان د خلکو ونډه لا ښکاره او فعاله ده، ځکه دغه ملي پروگرام د خلکو په وسیله چې هماغه ښاري او کليوالي پراختیايي شوراګانې دي، اداره کېږي او ټولنیزې، اقتصادي او پراختیايي پروژې یې د کلسټرونو په چوکات کې تطبیقېږي. پراختیايي شوراګانې د دولت (اړوندو ارګانونو او وزارتونو) د اجرائتو نه څارنه کوي او تریبونټي لاندې یې نیسي. خو دولت خلکو ته سرچینې، امکانات اومشورې برابروي او د شفافیت، حساب ورکونې او د شوراګانو د کړنو په هکله له اړوندو ارګانونو نه پوښتنې کوي. یعنی دواړه خواوې متقابلاً دیو بل په وړاندې ځانګړې ژمنې او مسؤلیتونه لري او دا د خلکو او دولت تر منځ یوډوه اړخیزه ژمنه کیدای شي.

خلک له ولسي ترون نه څه غواړي؟

افغانستان داسې یو هیواد دی چې د څو لسیزو راهیسې له ټولنیزو، طبیعي او اقتصادي ناخوالو له امله لکه وچکالی، کورنیو جګړو، مهاجرتونو او ناامنیو سره مخامخ و او خپل اکثره اقتصادي بنسټونه یې له لاسه ورکړي چې بیاخپل جوړولو اوبیارغولو ته اړتیا لري. خلک

آیا د ملي پيوستون پروگرام په پای ته رسیدو سره به زمونږ کلي اوباندې له پراختیايي زیاتو خدمتونو نه بې برخې پاتې شي؟ د کلیو د زرګونو پراختیايي شوراګانو برخه لیک به چې د سیمه ایزې واکمنۍ د وګړیز بنسټ په توګه په ټول هیواد کې جوړې شوې وې او کولی یې شول د خلکو اراده، پریکړه او غوښتنه تمثیل کړي، وروسته لدې څه شی وي؟ آیا زمونږ هیواد به بیا هم د نورو زرګونو ټولګټو پراختیايي پروژو د تطبیق شاهد وي؟

دغه پوښتنې هغه مهال زمونږ د زرګونو تنو کلیوالو په ذهن کې پیدا شوې چې د ملي پيوستون پروگرام د (۱۳) څخه زیاتو کلونو له تیریدو وروسته دادی پای ته ورسید.

د افغانستان د اسلامي جمهوري دولت مشر تابه پورتنیو پوښتنو ته د ځواب ویلو او د هیواد د پراختیا بهیر د دوام له پاره د ۱۳۹۵ کال د تلې میاشتې په څلورمه نیټه د یکشنبې په ورځ د ولسي ترون ملي پروگرام